



بهترین نصیحت دنیا از زبان دکتر الهی قمشه‌ای/ مقصود از ایثار جان چیست؟

و مقصود از ایثار و فداکردن جان تنها این نیست که شخص زندگی دنیا را به خاطر معشوق ترک گوید بلکه بیشتر بدین معناست که جان خود را در راه معشوق خرج کند و هیچ چیزی حتی جان را بر معشوق مقدم نداند.

و مقصود از ایثار و فداکردن جان تنها این نیست که شخص زندگی دنیا را به خاطر معشوق ترک گوید بلکه بیشتر بدین معناست که جان خود را در راه معشوق خرج کند و هیچ چیزی حتی جان را بر معشوق مقدم نداند.

به گزارش خبرآنلاین، ŭ171# روز در صحبت قرآن' نوشته حسین الهی قمشه ای در 1050 صفحه از سوی انتشارات سخن منتشر شده که چهارمین کتاب از مجموعه جوانان و فرهنگ جهانی و در ادامه کتاب های ŭ171# روز با سعدی' و ŭ171# روز با مولانا' و ŭ171# روز با ادبیات انگلیسی' منتشر شده است. این کتاب یک تفسیر خواندنی از کلام وحی که با گلچینی از بهترین اشعار شاعران بزرگ کشور تزئین و تکمیل شده است و برای هر روز سال آیه و یا آیاتی انتخاب و به سادگی و شیوایی شرح داده شده است. دکتر قمشه‌ای در سایت 365 روز در صحبت قرآن نوشته است: ŭ171# بهترین نصیحت دنیا اینست که زندگی تان را به عشق بفروشید نه به مال دنیا و چهار روز آسایش و جاه و مقام. و در جمله‌ای دیگر: ŭ171# همه صفات بد ما بخاطر اینست که حضور خداوند را در اطرافمان حس نمی‌کنیم و اصلاً یادمان رفته که او هست'

در ادامه چند بخش کوتاه از کتاب را با هم می‌خوانیم:

در ذیل آیه 52 سوره آل عمران ŭ171# شما هرگز به مقام نیکویی و مرتبت نیکوکاری نخواهید رسید مگر از آنچه خود دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید و آنچه در راه خدا انفاق کنید خداوند البته بدان آگاه است...' می‌خوانیم:

*در داستانهای صوفیان آمده است که بت پرستی از جماعت هندوان پیوسته در کنار دریا می‌رفت و برای ماهیان و پرندگان که در ساحل بودند خوراک و غذا می‌برد. او را گفتند که تو وقت خود بیهوده تلف می‌کنی زیرا خداوند به سبب بت پرستی آن هدایای تو را نخواهد پذیرفت. پرسید اگر خداوند از من نمی‌پذیرد آیا کار مرا می‌بیند یا نمی‌بیند؟ گفتند می‌بیند. گفت همان برای رضایت خاطر من کافی است.

در این آیه نفرموده است که آنچه انفاق کنید خداوند می‌پذیرد بلکه خبر می‌دهد که خداوند برآنچه انفاق کنید داناست و همین که آدمی امیدوار باشد که کار او را در عرصه عالم پروردگاری می‌بیند و به آن نظر می‌کند در تحکیم شوق به نیکویی کافی است.

*عارفان گفته اند چون عزیزترین چیز نزد آدمیان جان است پس مصداق اعلاى ŭ171#مما تحبون' ایثار جان در راه خداست:

ندا آمد امشب که جان کیست فدا
بجست جان من از جا که نقد بستانید
دیوان شمس
گر برود جان ما در طلب وصال دوست
حیف نباشد که دوست دوست تر از جان ماست
سعدی

و مقصود از ایثار و فداکردن جان تنها این نیست که شخص زندگی دنیا را به خاطر معشوق ترک گوید بلکه بیشتر بدین معناست که جان خود را در راه معشوق خرج کند و هیچ چیزی حتی جان را بر معشوق مقدم نداند:

چه باشد دل چه باشد جان چه باشد لوء و مرجان
چو نبود صرف دلداری فدای قامت یاری
دیوان شمس

*

در ذیل آیه 171 سوره بقره «؛و تمثیل کافران(که از خدایان باطل و اسم های بی مسمی مدد می گیرند) همانند کسی است که آواز دهد جاننداری را که از آن آواز هیچ چیز جز صدایی و ندایی نمی شوند. چنین است که کافران کر و گنگ و کورند از آنکه عقل خود را (در فهم معانی) به کار نمی گیرند...«؛می خوانیم:

* چه بسیارند مردمی که از قرآن جز صدایی و صوتی و تجویدی و قرائتی در نمی یابند و به همان صدا دلخوش اند. ایشان در بیان حقیقت قرآن لال و در مشاهده اسرار آن نابینا و در فهم حقایق آن لایعقلند، نه از آن جهت که عقل ندارند بلکه از آن رو که عقل خود را به کار نمی گیرند و علت این تمثیل آن است که منکران و غافلان که اغلب همان ظالمان و خودپرستانند هرچند از صورت ظاهر انسانی برخوردارند اما در عمل به چهارپایان نزدیک ترند و رفتار و بازتابهای آنان به حیوانات بیشتر شبیه است از آنکه ایشان ایمان آورده اند به عالم حیوانی و اهریمنی و کافر شده اند به گوهر انسانیت.

جامی می گوید:

حد انسان به مذهب عامه

حیوانی ست مستوی القامه

پهن ناخن برهنه پوست ز موی

به دو پا راهبر به خانه و کوی

هر که را بنگرند کانسان است

می برندش گمان که انسان است

*

نه هر که چشم و گوش و دهان دارد آدمی است

بس دیو را که صورت فرزند آدم است

سعدی